## از آسیب‌دیدگی تا پایتخت

**گروه ادب و هنر | از آنجا که «پایتخت ۴» در حال شکل‌گیری است و یکی از موفق‌ترین سریال‌های تلویزیون در این سال‌ها به شمار می‌رود و مهران احمدی هم در این سریال حضور ندارد و سارا و نیکا هم خارجه‌نشین شده‌اند و در این قسمت نیستند تهیه‌کننده دست به کار شده تا گروه جدید را انتخاب کند. این‌بار جمشید مشایخی است که به پایتخت اضافه شده است. مشایخی که از ناحیه زانو دچار آسیب‌دیدگی شده بود و بیمارستان و استراحت‌ها را پشت‌سر گذاشته خودش را آماده می‌کند تا در این سریال پربیننده بازی کند. اگر نگران سلامتی‌اش هستید باید بگوییم که همسرش گفته خوب است و می‌تواند راه برود.**

برداشت ۲

نگاهی به فیلم استراحت مطلق

# استهزای فروافتادگان و زیبایی‌شناسی چرک

بهزاد عشقی
منتقد

فیلم با یک صحنه غافلگیرکننده شروع می‌شود. سمیرا (با بازی ترانه علیدوستی) در خیابان‌های شلوغ تهران قدم می‌زند. چهره‌اش آرام است و حالت خاصی را نشان نمی‌دهد. نه شاد است، نه غمگین، نه خشمگین است، نه مضطرب. ناگاه اتومبیلی به سرعت می‌آید با او تصادف می‌کند. زن خارج از تصویر است و ما او را نمی‌بینیم. اما ضربه چنان محکم است که سرنوشتی جز مرگ نمی‌توانیم برایش تصور کنیم. آنگاه به گذشته برمی‌گردیم و به همراه سمیرا وارد زندگی او می‌شویم. سمیرا از شوهرش جدا شده و از شهرستان به تهران آمده و کودکش را نیز واگذاشته است تا زندگی مستقلی را تجربه کند. زن تابع هیچ‌کدام از رفتارهای اخلاقی و انسانی متعارف نیست. چندان منش مادرانه ندارد و دلش برای فرزندش تنگ نمی‌شود. با شوهرش به بن‌بست رسیده است و نسبت به دیگران نیز چندان وفادار نیست و خود ابزار می‌شود و از دیگران نیز به‌عنوان ابزار استفاده می‌کند. هدف کاری و عاطفی و اخلاقی خاصی ندارد و برای رسیدن به هدف مبارزه نمی‌کند و به آسانی می‌تواند همه چیز را واگذارد و تسلیم شود. درواقع زیر سیطره نابسامانی‌ها حساسیت‌های انسانی خود را از دست داده و به هیچ بدل گشته است. در صحنه‌ای از فیلم می‌گوید خسته شده است و دلش می‌خواهد همه چیز تمام شود. در نتیجه تصادف سمیرا نه یک اتفاق، که می‌تواند انتخابی آگاهانه از جانب او برای مرگی خودخواسته باشد. دیگر شخصیت‌های فیلم نیز وضعیتی بهتر از سمیرا ندارند.

> فیلم با آن که روایت متعارف ندارد و قصه کلاسیک با شروع و میان و پایان را دستمایه قرار نمی‌دهد، با این همه مخاطب را درگیر می‌کند و کنجکاوی‌اش را برای دنبال کردن فیلم برمی‌انگیزد

رضا عطاران در این فیلم همان پرسونای معمول خود را به‌عنوان یک رذل دوست‌داشتنی استمرار می‌بخشد. بددهن و کثیف است، توجهی به ظاهرش ندارد و فقط به منافع خود می‌اندیشد و با همسرش نیز رفتار خوبی ندارد. شوهر سمیرا، حامد، (با بازی بابک حمیدیان) معتاد است و به آخر خط رسیده است و تعصب‌ورزی‌اش نیز در سطح می‌گذرد و عشق و احساسات پدری و سایر احساسات انسانی در او کاملا فرو مرده است. مردی که فروشنده کاسه توالت است، به سهم خود با زشتی و کثافت سرکار دارد و ارتباطی غیرافلاطونی با سمیرا دارد. در واقع بین شغل این مرد و نقش اجتماعی و رفتار اخلاقی‌اش نوعی همسانی وجود دارد. در این میان شاید موجه‌تر از همه همسر رضا عطاران باشد. تازه او نیز ساده‌تر از آن است که کسی او را جدی بگیرد. کتک می‌خورد و لبخند می‌زند، از همسرش سخنان درشت می‌شنود و دم بر نمی‌آورد. فقط وقتی می‌خروشد که نسبت به روابط شوهرش با سمیرا مشکوک می‌شود. خشمی ویرانگر که همه چیز را خراب می‌کند و زندگی سمیرا را هر چه بیشتر به ویرانی می‌کشاند. به این ترتیب اغلب آدم‌های این فیلم، همچون دیگر آثار عبدالرضا کاهانی، در اعتیاد و فساد و فقر و تنگدستی و خودخواهی غرقه‌اند و زیر سایه غریزه و فشارهای اجتماعی راهی به رهایی پیدا نمی‌کنند.

در روایت کاهانی از زندگی اقشار فرودست جامعه، همچون روایت ناتورالیست‌ها، عشق و تعقل و آرمان و کنش‌مندی اجتماعی غایب است و انسان صرفا زیر سیطره غرایز و جبر اجتماعی و طبیعی زندگی می‌کند تا بمیرد. در واقع انسان از منظر کاهانی، و البته از نگاه ناتورالیست‌ها، هرگز نمی‌تواند ناهنجاری‌های اجتماعی و ناملایمات طبیعی را منقاد اراده انسانی خود کند. البته کاهانی در اجرا کم نمی‌گذارد و این تلخی‌ها را به شکل شیرینی نقل می‌کند. فیلم با آن که روایت متعارف ندارد و قصه کلاسیک با شروع و میان و پایان را دستمایه قرار نمی‌دهد، با این همه مخاطب را درگیر می‌کند و کنجکاوی‌اش را برای دنبال کردن فیلم برمی‌انگیزد. بازیگران بازی‌های طبیعی و مستندگونه و باورپذیری دارند و البته در این میان رضا عطاران، با ملاحت و طنازی هرچه بیشتر این قصه تلخ را به کام مخاطب شیرین می‌کند. فیلم هیچ‌گاه از ریتم نمی‌افتد و تماشاگر را دچار ملال نمی‌کند، و حتی در جاهایی به خوبی از مخاطب خنده می‌گیرد و باعث سرخوشی‌اش می‌شود. کمدی در ذات خود بر قدرت است و با تمسخر قدرت‌مداران می‌کوشد که به توانایی‌های فروافتادگان بیفزاید. اما تماشاگر در فیلم کاهانی نه به اصحاب قدرت که به فروافتادگان می‌خندد. درنهایت این سوال مطرح است که آیا این همه تلخ‌اندیشی و زشت‌انگاری و برابر دانستن انسان و حیوان، واقعی است؟ آیا در واقعیت مردم به همین شکل روزگار می‌گذرانند؟ آیا نمایش واقعیت به همان شکل که هست، هنر است؟ و آیا هنرمند اصولا می‌تواند واقعیت را آنچنانکه هست به تصویر بکشد؟ چنین نیست و به قول آذر نفیسی هر هنرمندی با این نیت به سراغ واقعیت می‌رود که نسخه خود را از آن بنویسد. کاهانی مختار است که واقعیت را این گونه زشت ببیند و ما نیز مخیریم که این همه زشت‌نگاری را بر نتابیم و آن را هنر ندانیم.

خبرچین

جنجال‌ها برای یک نقش قدیمی

## جیمز باند نمی‌تواند سیاه باشد

**گروه ادب و هنر |** وقتی اسناد سونی پیکچرز هک می‌شود دردسرها هم شروع می‌شود و احتمال بازی ادریس البا در نقش جیمز باند جنجال‌آفرین می‌شود. همین است که خیلی‌ها معتقدند این مامور نمی‌تواند سیاه‌پوست باشد. راجر مور یکی از جیمزباندهای قبلی اعتراض کرده و حالا هم یافت کوتو که زمانی نقش دشمن اصلی جیمز باند را بازی کرده سر و صدایش بلند شده است. او می‌گوید باند را فلمینگ یک شخصیت سفید خلق کرده و درست نیست او سیاه‌پوست باشد. او گفته بروید یک مامور ۰۰۳ خلق کنید و بگذارید مامور ۰۰۷ سفیدپوست باشد. البته راجر مور که این روزها ۸۷ ساله است در توییترش هم نوشته که اصلا دیدگاه نژادپرستانه ندارد. البته خود ادریس البا پیشتر اعلام کرده بود که خیلی دلش می‌خواهد در نقش جیمزباند بازی کند. او پیشتر در فیلم «راه بلند آزادی» در نقش نلسون ماندلا بازی کرده بود. تاکنون هفت بازیگر موفق شده‌اند در نقش جیمز باند بازی کنند.

نگاهی به حرف و حدیث‌های پیش‌آمده درباره مجموعه «در حاشیه»

# درحاشیه مدیری

مهربانو ابدی‌دوست
m1.abadidost@fdn.ir

**گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که پزشکان با آنکه معترضان اصلی مجموعه طنز تلویزیونی «در حاشیه» به کارگردانی مهران مدیری هستند، خود از مخاطبان اصلی این سریالند و به تدریج با تماشاگران دیگر همسو شده‌اند و اوقات خوشی را هنگام پخش این سریال در جمع خانوادگی‌شان می‌گذرانند. این در حالی است که جدی‌ترین واکنش‌ها برای توقف این طنز تلویزیونی از روزهای آغازین تولید آن تا امروز در عالی‌ترین سطح مقامات وزارت بهداشت و درمان در جریان بوده است و شخص وزیر بارها و در این مورد به‌خصوص با مدیران ارشد تلویزیون رایزنی کرده است که البته این مداخله‌ها باعث تغییر نام مجموعه «اتاق عمل» به «در حاشیه» شد و تاکید بر قلابی بودن پزشکان مجموعه «در حاشیه» شد تا مخاطبان تصور نکنند اینها پزشکان واقعی هستند. اما به محض پخش قسمت نخست سر و صدای جامعه پزشکی درآمد و رئیس صنوف مختلف آن به‌طور رسمی اعتراض خود را اعلام کردند و کار به جمع‌آوری هزاران امضا در اعتراض به این سریال کشیده شد و پای تهدید از نوع تجمع هم به میان آمد. با این حال تلویزیون که بعد از مدت‌ها بار دیگر شاهد استقبال مخاطبان از دست رفته بود، این بار با تمام توان در حمایت از مهران مدیری برآمد تا این مجموعه شبانه بتواند علاوه‌بر جذب مخاطب، برای تلویزیون هم سودآور باشد و تبلیغات تلویزیونی زیادی را به ارمغان آورد. اعتراض‌ها ادامه دارد و مدیر شبکه سه سیما هم خبر از طراحی فاز دوم این مجموعه داده است و گفته می‌شود «در حاشیه» تا فرارسیدن ایام ماه مبارک رمضان هرشب پخش خواهد شد.**

## اعتراض‌ها جدی نیست

شادمهر راستین در کارنامه کاری خود نوشتن چند فیلمنامه مهم سینمایی را دارد و جدا از این سال‌هاست با حضور موثرش در محافل سینمایی و مطبوعات در بخش هنری اش، مسائل مربوط به حساسیت‌های جامعه ایران معاصر را رصد می‌کند. این فیلمنامه‌نویس و مدرس سینما و معمار نگاه قابل تاملی نسبت به مقوله طنز و انتقاد در ایران دارد و معتقد است در کل جامعه ایرانی فاقد فرهنگ انتقادپذیری است. او در این‌باره به فرهیختگان می‌گوید: «در کشور ما که با پول نفت اداره می‌شود، هرکسی که کار می‌کند و جایگاهی دارد، از مرتبه ارزش‌گذاری‌شده‌ای برخوردار است. حالا اگر این فرد، درس هم خوانده باشد، احساس برتری بیشتری دارد و گاه در برابر انتقاد گارد بسته‌تری هم می‌گیرد. این موضوع به یک ویژگی فرهنگی در کشور تبدیل شده است و نمی‌توان در این‌باره کاری کرد.»

فیلمنامه‌نویس «امروز» می‌گوید: «در کشور ما، موقعی از طنز استفاده می‌کنند که بخواهند انتقاد تند کنند یا فرد یا چیزی را تحقیر کنند و چون انتقاد نزد بسیاری از ایرانی‌ها منفور است، بنابراین واکنش دربرابر هر کار انتقادی و تحقیرآمیز هم طبیعی است.» فیلمنامه‌نویس «به همین سادگی» اعتراض‌ها در برابر مجموعه طنز «در حاشیه» از سوی برخی پزشکان را بی‌تاثیر در توقف آن می‌داند و می‌گوید: «چه آنهایی که برای مشاغل طنز می‌نویسند و چه آنهایی که نسبت به آنها اعتراض می‌کنند، هر دو می‌دانند دارند یک کار تکراری می‌کنند. این را هم حتی مدیران فرهنگی کشور می‌دانند که عده‌ای این طنزها را می‌سازند و عده‌ای هم انتقاد می‌کنند و مردم هم می‌خندند. این مساله دیگر در کشور ما به امری تکراری و روزمره تبدیل شده است. زیاد هم این موضوع به کسی برنمی‌خورد.» وقتی قضیه توقف سریال «سرزمین کهن» به کارگردانی کمال تبریزی را مثال می‌زنیم، شادمهر راستین واکنش جدی به آن سریال را به علت موضوع دیگری جدا از بحث انتقاد و طنز می‌داند و توضیح می‌دهد: «سرزمین کهن البته موضوعش فرق داشت. سریال کمال تبریزی یک واقعه تاریخی را نادیده گرفته بود. ولی این ادعا را داشتند که همه‌نگر هستند و کارشناسان تاریخی‌ای که تلویزیون به کمال تبریزی معرفی کرده بود، عمدا می‌خواستند بخشی از تاریخ معاصر ایران را نادیده بگیرند.»

این دانش‌آموخته رشته معماری تاکید می‌کند: «اعتراض به آن سریال از بابت طنز یا تحقیر نبود، بلکه اعتراض به تحریف و جعل تاریخ بود. درصورتی که مجموعه‌های طنز درباره مشاغل پزشکان، مهندسان، معلمان و شغل‌های دیگر یک طنز است که آنها هم نسبت به طنز واکنش نشان می‌دهند. از طرف دیگر در مقابل این واکنش‌ها هم سازندگان می‌گویند پس درست به هدف زده‌اند و کارشان دیده شده است و درنهایت اتفاق خاصی هم نمی‌افتد. ولی سرزمین کهن یک تحریف تاریخی بود.» از شادمهر راستین پرس‌وجو می‌کنیم که آیا خودش هم در کارهایش با این دست واکنش‌ها و انتقادها روبه‌رو شده است؟ او این روزها که بالاخره منع قانونی حضور زنان در تماشای مسابقات ورزشی برداشته شده است، موضوع واکنش به فیلم در محاق مانده «آفساید» را که فیلمنامه‌اش را خودش نوشته به میان می‌کشد و می‌گوید: «عده‌ای گفتند همه زن‌ها نمی‌خواهند بروند استادیوم که فوتبال تماشا کنند. بخشی از اعتراض‌ها به همین سادگی بود.» راستین بار دیگر براین موضوع تاکید دارد که «ولی عموما این اعتراض‌ها زیاد جدی نیست. حتی جامعه پرستاران که اعتراض کردند، آن موقع مدیران اعتراض‌های‌شان را خیلی جدی می‌گرفتند. بعد اما دیدند اتفاق خاصی حتی با همان اعتراض‌ها نمی‌افتد.»

## از خودمان شروع کنیم

این روزها که مجموعه طنز «درحاشیه» مهران مدیری علی‌رغم اعتراض‌ها و واکنش‌های جامعه پزشکی از شبکه سه سیما پخش می‌شود، مسعود بهبهانی‌نیا سرگرم ادامه نوشتن طولانی‌ترین سریال ایرانی تا به امروز به نام «کیمیا» است که تولید آن نیز از نیمه گذشته و قرار است امسال از شبکه سه سیما پخش شود. بهبهانی‌نیا که در کارنامه کاری خود نوشتن فیلمنامه سریال پرمخاطب و به یاد ماندنی «نرگس» را دارد، درباره واکنش‌های پزشکان به طنز مهران مدیری می‌گوید: «باید یک بار برای همیشه این مساله حل شود و مدیران سازمان صداوسیما، شجاعت این را داشته باشند که هم نسبت به قومیت‌ها و هم نسبت به طوایف و مشاغل مختلف این قضیه را برای مردم جا بیندازند و آستانه تحمل مردم را بالا ببرند.» نویسنده فیلمنامه سریال «ترانه مادری» می‌گوید: «نقد یا به اصطلاح طنز یا بیان بعضی ایرادات و اشکالات در قالب داستانی، هیچ خللی برای شخصیت یا چهره مثبت اقشار زحمت‌کش یا طبقات یا صنوف مختلف ایجاد نمی‌کند، این را ما باید بتوانیم فرهنگ‌سازی کنیم.» وقتی از بهبهانی‌نیا جویای پیشنهادش برای رسیدن به چنین امری می‌شویم، می‌گوید: «راهش هم این است که ما از خودمان شروع کنیم، ضمن اینکه فرهنگ‌سازی می‌کنیم از خود صداوسیما و مدیران بالادستش، از دولت، از نهادهای دولتی و سازمان‌های حکومتی شروع کنیم به انتقاد کردن تا موقعیت‌های طنز یا نمایش‌های انتقادی به امری عادی تبدیل شود. مدیران و مسئولان باید خودشان پیشقدم شوند تا وقتی راجع به یک صنفی یا طایفه‌ای صحبت می‌شود، اینقدر ما را هیجان‌زده محکوم نکنند. چون با این واکنش‌های هیجانی هم دست هنرمندان را می‌بندیم هم این که زحمات‌شان را به باد می‌دهیم.» بهبهانی‌نیا می‌گوید: «واکنش‌هایی که از سوی پزشکان شاهدش هستیم به‌طور عادی در همه کشورها، قومیت‌ها و اصناف وجود دارد. اگر یک پلیس را بد نشان دهیم، فکر می‌کنیم تمام سازمان پلیس زیرسوال می‌رود یا اگر یک قاضی را خیانتکار نشان دهیم، این‌طور فرض می‌کنند که قرار است تمام دستگاه قضا را زیر سوال ببریم، در حالی که مدل خارجی‌اش این است که سیستم سالم است و آن آدم‌هایی که ناسالم هستند را پیدا کرده یا اصلاح‌شان می‌کند یا حذف‌شان می‌کند، ولی این معنی‌اش این نیست اگر یک عنصر یک سیستمی خلاف کرد یا تخطی کرد و مردم شاهدند که این اتفاق مکرر دارد می‌افتد تمام آن دستگاه یا بخش متعلق به آن بخواهد زیرسوال برود.»

بهبهانی‌نیا می‌گوید: «این موضوع را ما باید به روش‌های مختلف فرهنگ‌سازی کنیم. یکی از این روش‌ها پیشقدم‌شدن ماست؛ وقتی ما هنرمندان در مورد خودمان نمایش‌های انتقادی بسازیم و این فضا را باز کنیم یا مثلا روحانیت بپذیرد که با این صنف می‌شود شوخی کرد یا قضات بپذیرند که می‌توان با آنها شوخی کرد و ایرادها را گفت یا نیروی انتظامی قبول کند که ما در فیلم‌های پلیسی می‌توانیم یک یا دو پلیس خطاکار را هم نشان دهیم اما سیستم نظارت می‌کند و اینها را کشف و حذف می‌کند. اگر از اینها شروع کنیم و ما بیشتر اینها را نمایش دهیم، اتفاقا سلامت دستگاه و سیستم را نشان می‌دهد که می‌تواند عناصر متخلف را کشف و حذف یا اصلاح کند. یک سیستم سالم درست مثل یک بدن سالم می‌ماند که بلافاصله با یک میکروب برخورد می‌کند. اینکه بگوییم این بدن هیچ‌وقت مریض نمی‌شود، باورپذیر نیست.»

وقتی از نویسنده سریال ۹۰ شبی «نرگس» درباره سابقه چنین واکنش‌هایی به کارهای خودش می‌پرسیم، می‌گوید: «در سریال «فاصله‌ها» یک اعتراضات این چنینی شده بود. بازیگر مجموعه توضیح داد و مدیران هم دفاع کردند و سریال ادامه پیدا کرد. یکی از کاراکترهای سریال لهجه‌ای داشت که مقداری سوءتفاهم ایجاد کرد که با توضیحات بازیگری که آن نقش را بازی می‌کرد، موضوع حل شد.»

## تلویزیون باید انتقاد را از خودش شروع کند

علیرضا کاظمی‌پور در کارنامه کاری خود نوشتن چند سریال و مجموعه تلویزیونی پرمخاطب ازجمله «میوه ممنوعه» را دارد. کاظمی‌پور که فیلمنامه‌هایش اغلب موضوع و داستان‌شان جدی است درباره کار در حال پخش مهران مدیری نگاهی انتقادی دارد و می‌گوید: «در این مجموعه پزشکان به خوبی به تصویر کشیده نشده‌اند و آنها را افرادی مال‌دوست معرفی می‌کنند که با جان مردم بازی می‌کنند.» کاظمی‌پور می‌گوید: «از طرفی هم اگر این حرف را بزنم، متهم به این می‌شوم که از ممیزی دفاع کرده‌ام. همه دارند می‌گویند که به هر حال باید دست نویسنده‌ها باز باشد و باید تحمل‌مان را بالا ببریم. حقیقتش این است که دست و بال ما برای نوشتن طنز و شوخی و کلا نوشتن داستان بسته است.» نویسنده فیلمنامه سریال طنز «دردسرهای عظیم» می‌گوید: «از ویژگی‌های جامعه توسعه‌نیافته است که از هیچ صنفی و قومیتی نمی‌شود، انتقاد کرد و درواقع ما در پرداخت و نگارش قصه‌ها باید سعی کنیم که هیچ کلمه تندی به هیچ نهادی و ارگانی و قومیتی برنخورد و خودمان با حساسیت‌هایی که پیش می‌آید، همه نوشته‌هایمان را ممیزی کنیم.» فیلمنامه‌نویس مجموعه طنز «خوش‌نشین‌ها» اشاره به نکته‌ای دارد که گریبانگیر فیلمنامه‌نویسان تلویزیونی شده است: «واقعیت این است که بیشتر از اینکه تلویزیون ما را ممیزی کند، ممیز واقعی ما خود مردم هستند، واکنشی که آنها در قبال پخش کارها نشان می‌دهند، باعث می‌شود که مدیران سازمان صدا و سیما نسبت به آن موضوعات حساسیت پیدا کنند و خط قرمزها را تنگ‌تر و شدیدتر کنند و تنگناها و محدودیت‌های بیشتری را برای ما نویسنده‌ها ایجاد کنند؛ یعنی مدیران با بازتابی که از پخش کارها بین مردم می‌بینند، محدوده خط قرمز را گشادتر یا بازتر می‌کنند.» وقتی از فیلمنامه‌نویس سریال «او یک فرشته بود» راه‌حل پیشنهادی‌اش را جویا می‌شویم می‌گوید: «راه‌حلش را نمی‌دانم چیست. مگر اینکه آستانه تحمل‌پذیری‌مان را بالاتر ببریم و مقداری نقدپذیرتر باشیم. مساله پیچیده‌ای است و یک مقدار هم زمانبر است و فکر نمی‌کنم به این راحتی‌ها حل شود.» در ادامه نویسنده فیلمنامه سریال به یادماندنی «زمانه» می‌گوید: «اگر صداوسیما، رسانه آزادی باشد و به همه افکار و اندیشه‌ها این اجازه را بدهد که بیایند و خودشان را ابراز کنند و نقد شوند، ممکن است یک فرهنگ‌سازی شود و سال‌ها شاید طول بکشد تا این اتفاق بیفتد ولی خب تلویزیون هم این‌طوری نیست و به همه افکار و اندیشه‌ها اظهار وجود نمی‌دهد و این محدودیت‌ها همچنان هست.»

کافه تیاتر

### پرواز ایکار

**نویسنده:** حسین پاکدل
**کارگردان:** محمد حاتمی
**ساعت اجرا:** ۱۸
**مکان اجرا:** تماشاخانه ایرانشهر

**گروه ادب و هنر |** این روزها بهنوش بختیاری روی صحنه تئاتر است و اگر می‌خواهید بازی او را ببینید باید به تماشاخانه ایرانشهر بروید و سالن استاد ناظرزاده کرمانی و نمایش «پرواز ایکار» را تماشا کنید. او در این نمایش در مقابل کوروش تهامی بازی می‌کند.

البته روزهای اول این نمایش کوروش تهامی در بیمارستان بستری بود و نتوانست بازی کند و جای او کارگردان یعنی محمد حاتمی به صحنه رفت. این نمایش را حسین پاکدل نوشته است.

حسین پاکدل پارسال خودش نمایش «یک صبح ناگهان» را به صحنه برده بود و این روزها با این متن در تئاتر ایران حضور دارد. این نمایش هر روز ساعت ۱۸ در تماشاخانه ایرانشهر اجرا می‌شود.

چهره‌ها

تئاتر

### جابر رمضانی

**گروه ادب و هنر |** سال گذشته بود که جابر رمضانی با نمایش «صدای آهسته برف» تجربه‌ای متفاوت در نمایش رقم زد و توانست در مدت زمان نمایش تماشاگر را روی صندلی‌های تئاتر بنشاند. نمایشی کم‌کنش اما پر از هیجان. رمضانی قرار است این نمایش را به اروپا ببرد و در یک تور این نمایش را در کشورهای مختلف اجرا کند. او این تور را در تابستان و از ایتالیا شروع می‌کند. البته پیش از آن این نمایش در یک جشنواره در کشور لهستان به روی صحنه خواهد رفت.

سینما

### آل پاچینو

**گروه ادب و هنر |** کافی است سوپراستار باشید تا بتوانید از این موهبت بیشترین استفاده را ببرید. حالا خودتان را تصور کنید که در هواپیمای اختصاصی آل‌پاچینو نشسته‌اید و برنامه‌های مفرحی را در این هواپیما تجربه می‌کنید. برای نشستن در این هواپیما لازم است سرکیسه‌تان را شل کنید و ۲۵ هزار پوند معادل ۴۱ هزار و ۵۰۰ دلار برای چنین هیجانی پرداخت کنید. بعد با پاچینو از گلاسکو به لندن می‌روید ولی بدون او از لندن به گلاسکو برمی‌گردید. در این سفر در یک هتل پنج‌ستاره در لندن به مدت سه شب اقامت دارید و یک بلیت رایگان هم برای دیدن دو نمایش آل‌پاچینو در لندن دریافت می‌کنید. اگر پول بیشتری پرداخت کنید برنامه‌های مفرح‌تری هم خواهید داشت. با ۱۲ هزار دلار بیشتر یک ناهار با پاچینو می‌خورید و اگر چهار هزار دلار دیگر هم پرداخت کنید با او در منزل با لباس منزل به مدت ۲۰ دقیقه ملاقات می‌کنید.